



چهارمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

بررسی دیه غیرمسلمان در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران

عاطفه لرحجوری

استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، گیلان، ایران. (atefhlorkojuri@gmail.com)

فاطمه صلواتی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، گیلان، ایران. (نویسنده مسئول)

(fatemehsalavati2000@yahoo.com)

چکیده

گرایش انسان‌ها بسوی مفاهیم حقوق بشری در اکثر دیدگاه‌ها و سیستم‌های حقوقی تغییراتی جدی را در علوم انسانی بدنبال داشته است. همچنین با وقوع عصر ارتباطات و سطح آگاهی انسان‌ها اکثر علوم رو به نوگرایی گذاشته و رشته حقوق جزا که ملهم از فقه اسلامی است چالش‌های فراوانی را پیشاپیش خود می‌بیند. یکی از بارزترین این چالش‌ها، میزان دیه غیرمسلمانان است که مقتضیات زمانی و نقدهای سیاسی و حقوق بشری سیستم‌های دیگر تحولاتی در این عرصه ایجاد نموده و با توجه به اینکه دین اسلام پویاست و بسیاری از قوانین اسلامی با گذشت زمان قابل تجدید نظر می‌باشند زمینه برای نظریات فقه‌های نوین در این باره مهیا شد. در سال‌های اخیر با توجه به پیشرفت‌های بسیار مثبتی که در باب حمایت از افراد و حفظ تساوی افراد در برابر قانون، اعمال شده است، در باب دیه افراد غیرمسلمان در حوزه‌ی سرزمینی کشور ایران، نیز توجهات خاص مبذول گردیده است، اما نقص قانونی و فقدان ماده‌ی خاص در این زمینه همیشه وجود داشت تا اینکه رهبر معظم ایران، در یک نظر حکومتی دیه‌ی اقلیت‌های دینی شناخته شده‌ی (غیرمسلمان) در قانون اساسی را برابر با دیه‌ی مسلمانان تعیین کردند و این نظر حکومتی در قالب یک تبصره، به قانون مجازات اسلامی، الحاق گردید. اکنون در این تحقیق برآنیم تا با کندوقاوی در مبانی و بنیان‌های فقهی و حقوقی مسأله را بیان کنیم. پژوهش حاضر از نوع مقالات توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: دیه، مسلمان، غیرمسلمان، دیه در فقه اسلامی.



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

مقدمه

اصل مهمی که در اسلام به آن توجه شده و در قرآن کریم به عنوان یک قانون برای تمام انسان‌ها در تمام دوره‌ها قرار داده شده است احترام به جان هر انسان و حق حیات اوست. پاسداری از خون و ارج نهادن به جان انسان‌ها، همواره مورد توجه و تاکید دین اسلام بوده است. قرآن کریم پس از آنکه جریان کشته شدن هابیل توسط قابیل را بیان می‌کند می‌فرماید به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین، بکشد چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است (مائده، آیه ۳۲).

امروزه با پیشرفت علوم و سطح آگاهی انسان‌ها اکثر علوم رو به نوگرایی گذاشته که در این میان علوم انسانی پیشرفت قابل توجهی داشته است در این میان رشته حقوق چالش‌های فراوانی را رو در روی خود داشته و علی‌الخصوص گرایش جهانیان بسوی رعایت حقوق بشر در اکثر دیدگاه‌ها و سیستم‌های حقوقی تغییرات جدی را بدنبال داشته است. سیستم حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه بر پایه نظریه‌های فقهی به تصویب رسیده و اکثر دیدگاه‌های فقهی نیز از سنت‌های صدر اسلام گرفته شده است اینک با قوانین دنیای امروزی چندان مطابقتی ندارد در حالی که دین اسلام دین پویایی است و بسیاری از قوانین اسلامی با گذشت زمان قابل تجدید نظر می‌باشند و این رمز ماندگاری اسلام عزیز است لذا اختلاف‌ها و فشارهای سیاسی و حقوق بشری سیستم‌های دیگر تحولاتی در این عرصه ایجاد نموده که نمونه بارز آن میزان دیه مرد کافر و مسلمان و بحث آن در حقوق بین‌الملل بود.

بنابراین بر اساس این قانون الهی اصل اولی این است که خون همه انسان‌ها محترم است و هیچ کس بدون جهت قانونی حق تعرض به احدی را ندارد تا بدانجا که اگر کسی انسانی را بکشد گویا حیات بشریت را مورد تهدید قرار داده است پیامبر گرامی اسلام (ص) در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، با اهل کتاب -خداپرستان غیرمسلمان- قراردادهای همکاری متقابل منعقد نمود و بر اساس آن احترام به حقوق آنان را به عنوان یک قانون در حکومت اسلامی قرار داد (جعفریان، ۱۳۸۰).

پس از آن نیز همواره در احکام و قوانین اسلامی برای چنین افرادی که قصد جنگ و تعرض به مسلمانان نداشتند حقوق اجتماعی قرار داده شد. بر طبق این قوانین دولت اسلامی متعهد مصونیت مطلق و همه جانبه آنهاست و جان و مال و ناموس آنان مورد حمایت و حفاظت کامل دولت اسلامی می‌باشد و هر فرد مسلمان یا غیرمسلمانی که مرتکب قتل یا جرح و یا آزار هموطن خود گردد مطابق قوانین قضایی و جزایی اسلام به مجازات خواهد رسید. در مورد اموال هموطنان غیرمسلمان باید این نکته را اضافه کنیم که مقصود تنها کالاها و اجناسی که از نظر قانون اسلام ارزش مالی دارد نیست بلکه شامل هر آنچه که آنان مطابق مقررات خود برای آن ارزش مالی قائلند نیز می‌شود مگر آنکه قانون خاصی در این جهت وضع شده باشد. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «آگاه باشید کسی که بر معاهدی -هم‌پیمان غیرمسلمان- ستم کند و یا پیمانش را بشکند و یا او را به کاری بیش از قدرت و امکانش وا دارد و یا از او چیزی بدون رضایت خاطرش بگیرد من در روز باز پسین او را به محاکمه و بازخواست خواهم کشاند» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷).

اندک تأملی در قوانین و مقررات اسلامی به این حقیقت می‌رسیم که اسلام دینی است جامع که برای کوچکترین تا بزرگترین مسائلی که یک انسان در جهان هستی ممکن است بدان نیاز پیدا کند قانون وضع کرده است و قوانین آن ساخته فکر بشر نیست که در آن خطا و اشتباه رخ بدهد و یا توجه به دوره و جامعه‌ای خاص زمینه ساخت آن قوانین باشد که با تغییر آن جامعه و یا محیط و یا دوره نیاز به قوانین جدید داشته باشیم بلکه قوانین اسلامی نشأت گرفته از سرچشمه وحی است که هرگز اشتباهی در آن رخ نمی‌دهد و کلامی است برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها و قوانین الهی بر اساس مصالح و حقایقی است که ممکن است بشر با فکر محدود خود نتواند آن را دریابد.



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

یکی از مقررات مفصل اسلام قانون دیات می‌باشد. چنان که گفته‌اند در شریعت یهود قانون دیه وجود ندارد اما در مسیحیت وجود دارد و الزامی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

اسلام ضمن امضای نهاد دیات آن را بر نظام خاصی مبتنی کرد و مقدار آن را به طور دقیق مشخص و تعیین نمود (میرسعیدی، ۱۳۷۳). یکی از احکام مقرر در دیات، لزوم متساوی بودن جانی و مجنی علیه در دین برای یکی بودن دیه پرداختی می‌باشد که بر اساس آن اگر هر دو آنها مسلمان و یا غیرمسلمان باشند دیه آنها یکی است. اما اگر مسلمان غیرمسلمانی را بکشد مقدار دیه او کمتر از دیه یک مرد مسلمان است (موسوی خمینی، ۱۳۶۳). البته در این جهت دیگر فرقه‌های اسلامی نیز همین عقیده را دارند (ادریس، ۱۳۷۷).

علاوه بر آن برخی از فقهاء مقدار این دیه را در اختیار حاکم دولت اسلامی قرار داده‌اند که به صلاحدید خود می‌تواند آن را برابر با دیه قتل مسلمانان قرار دهد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰).

مسئله رعایت حقوق اقلیت‌ها و تبعیض قائل نشدن نسبت به آنها، از جمله اموری است که بخصوص امروزه سخت مورد توجه و بحث نهادهای بین‌المللی حقوق بشری است که تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تأمین همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف اندیشیده شده است و گاه نیز جهان مخصوصاً در این دهه‌های اخیر شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت بار و ویرانگر گروه‌های مختلف و یا اقدام گروه اکثریت برای پاکسازی قومی اقلیت بوده است. یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی و نهادهای آن به رسمیت شناختن، نهادینه کردن و اجرای حقوق انسان‌های تحت حاکمیت است. دولت ایران برخی از اسناد بین‌المللی را که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم اعمال تبعیض در مورد آنها پرداخته اند، مورد تصویب قرار داده است و به اجرای مفاد آنها متعهد است. پس ضرورت دارد درباره تمامی احکام و قوانینی که بصورت تبعیض آمیز، راجع به اقلیت‌های دینی وضع گردیده تجدیدنظر دوباره صورت گیرد، تا همخوانی قوانین ایران با اسناد بین‌المللی و جامعه جهانی بیش از پیش تأمین گردد.

پیشینه تحقیق

گلریز (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به «بررسی مبانی فقهی و حقوقی پرداخت دیه غیر مسلمانان از بیت المال مسلمین» پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بررسی قاعده «لا یبطل دم امر مسلم»، عده‌ای محدود با توجه به قی کلمه مسلم، مخالف پرداخت دیه غیر مسلمان از بیت المال مسلمین هستند. اما اکثریت قریب به اتفاق‌فقهایی که به این بحث پرداخته‌اند، قائل به مسئولیت بیت المال در قبال پرداخت دیه غیر مسلمانان هستند که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کنند.

فتحی (۱۳۹۳) در مقاله «انواع دیه در فقه و حقوق کیفری ایران» به این نتیجه می‌رسد که در دیدگاه فقهای امامیه، دیه مرد غیر مسلمان، میزان دیه غیر مسلمانان معادل هشتصد درهم است. در نظر علمای اهل سنت مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان، دیه ای متفاوت از قرار زیر دارند، برخی دیه هر سه گروه را یک سوم دیه مسلمانان دانسته‌اند و برخی دیگر دیه یهودی و مسیحیان را بر دیه زرتشتیان ارجح‌انسته‌اند.

امیدی و رستمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «دیه اقلیت‌ها و رویارویی دیدگاه در فقه اهل سنت» به این نتیجه می‌رسند که در میان فقهای مسلمان، نظرات مختلفی در باره میزان دیه غیر مسلمانان وجود دارد. از میان فقهای اهل سنت برخی، مثل مالک بن انس، به نصف بودن دیه ذمیون نسبت به مسلمانان اشاره دارد. برخی، مثل شافعی، ثلث بودن آن و بعضی، مثل اغبوحنیفه، به تساوی آن با دیه مسلمانان رای داده‌اند. سه نظر مشهور در امامیه آن است که دیه مرد اهل کتاب، اعم از یهودی، مسیحی یا زرتشتی، معادل هشتصد درهم، و دیه زن کتابیه معادل چهارصد درهم می‌باشد و دیه اعضا و جوارح آنها به همان نسبت مشخص خواهد شد. به علاوه، به نظر می‌رسد که دیه زن و مرد آنان تارسیدن به ثلث مساوی و از آن به بعد دیه زن ذمییه نصف دیه مرد ذمی خواهد بود. در پی بحث



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

های حقوقی برابر شد که در تبصره ماده ۲۹۷ به آن اشاره شده است که آمده است بر اساس نظر حکومتی ولی امر مسلمین و شرعا هر گاه نظر حکومتی از طرف ولی امر صادر شود دیگر فقها باید از آن اطاعت کنند.

تاریخچه دیه

پیش از اسلام قبایل مختلف عرب تابع نظام واحدی نبودند، آنان از عاداتی کهن پیروی می‌کردند که به طور عمیق در افکار و جانهایشان نفوذ کرده بود. اعمال زور در زندگیشان نقش عمده داشت و انتقام جویی از اصول بسیار مقبول آنان به شمار می‌آمد. قدرتی غالب که بتواند اراده خود را بر افراد همه سرزمینهای عرب نشین اعمال و تجاوز گر را تنبیه کند وجود نداشت. اما هر قبیله برای خود رئیسی مورد احترام داشت که همه افراد قبیله سخن و فرمانش را می‌پذیرفتند. لیکن نفوذ این رئیس در خارج به ثروت آنها و تعداد جنگاوران و نه امت آنان بستگی داشت.

هر فرد عرب به قبیله خود دلبنده‌گی عمیق داشت اگر فردی خارج از آن شخص از افراد قبیله را مورد تعدی و تجاوز و آزار قرار می‌داد. همه به کین خواهی بر می‌خواستند افراد قبیله شخص متجاوز هم به دفاع از وی می‌پرداختند و اوئی را مورد حمایت قرار می‌دادند. بنابراین پیش از اسلام آنچه مورد توجه اعراب بود انتقام جویی و کین خواهی بود و این کار به حق یا ناحق انجام می‌گرفت که در داستانهای ادبی کهن این قوم و نیز اشعار جاهلیت با نمونه‌هایی از آن روبه‌رو می‌شویم. معهذ از این روایت چنین استنباط می‌شود که عبدالمطلب در جاهلیت برای قتل ۱۰۰ شتر به عنوان دیه سنت گذاشت که اسلام آن را امضاء و اجرا کرد (گرجی، ۱۳۸۰). صلح و گذشت از انتقام در برابر دریافت عوض و مال، در میان اعراب پیش از اسلام امری ناخوشایند به شمار می‌آمد، لیکن بعدها مردم بدان اقبال کردند. این اقبال متعاقب جنگهایی پدید آمد که به هلاکت نفوس بسیار انجامیده بود و آنها عاقبت از این همه خصومت و کشتار به ستوه آمده بودند و از راه ترافی بر اخذ دیه می‌کوشیدند که به آرامش و امنیت دست یابید. از اینجا این نتیجه به دست می‌آید که صلح در ازای اخذ مال و دیه نزد تا زیان قبل از اسلام شناخته شده بود و علت این کار احساس نیاز مبرم به امنیت بود همین نیاز به استقرار صلح موجب شد که کسانی میان قبایل متخاصم به وساطت بپردازند به طوری که هیچ کدام از طرفین به جبر و ضعف و مال طلبی متهم یا متصف نشوند (گرجی، ۱۳۸۰).

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز، از نوع اسنادی - کتابخانه‌ای است.

فلسفه دیه

یعنی هیچ مومنی را نرسد که مومنی را به قتل رساند مگر به خطاء مرتکب آن شود، در صورتی که به خطاء هم مومنی را به قتل رساند باید به کفاره این خطاء بنده مومنی را آزاد کند و خونبها مقتول، به صاحب خون بپردازد مگر آنکه ورثه دیه را به قاتل ببخشد و این مقتول اگر یا آنکه مومن است از قومی باشد که با شما دشمن و محارم است در این صورت قاتل (دیه ندهد) لکن بر او است که بنده مومن را آزاد کند و اگر مقتول از قومی است که میان شما و آن قوم عهد و پیمان بر قرار بوده پس خونبها را به صاحب خون پرداخته و بنده مومنی نیز به کفاره آزاد کند و اگر بنده ای نباید بایستی دو ماه متوالی روزه بدارد. این توبه از طرف خدا پذیرفته است و خدا (به اعمال خلیق و جزار آن) آگاه و بصیر و به همه امور دانا و حکم است (نساء، آیه ۹).



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

مقصود از دیه و خون‌بها قیمت‌گذاری کردن انسان نیست زیرا انسان گران‌بهاترین و ارزشمندترین موجود نظام خلقت است. ارزش و بهاء انسان معنوی است و منزلت و فضیلت انسان بر اساس ارتباطی است که یا خداوند متعال دارد و بالاترین مرتبه انسان خلقت الهی است. زمین و آسمان برای انسان آفریده شده که با بهره‌مندی از آن به سعادت و رستگاری نائل شود.

با توجه به ارزش معنوی انسان و مرتبه و الایی که اسلام برای انسان قائل شده است، قیمت‌گذاری مادی انسان غلط است. زیرا هر قیمت مادی و اقتصادی برای انسان تعیین گردد و ارزش انسان بی‌برتر و والاتر از آن است. لذا امکان تعیین ارزش مادی و اقتصادی برای انسان منتفی است علاوه اینکه اگر به ویژگی‌ها و توانایی‌های افراد و آحاد انسان‌ها توجه شود بی‌تفاوتی میان آنها مشاهده می‌گردد. اثری که دیه در جامعه دارد همانند اثر قصاص است یعنی به گونه‌ای مانع از جرات نمودن بر خونریزی می‌شود، همچنانکه قصاص، مانع خونریزی و آدمکشی است جز اینکه اثر دیه در ممانعت و جلوگیری از آدمکشی، برابر و مساوی با قصاص نیست. مرتبه ضعیف تر قصاص محسوب می‌شود. چون که دیه سبب جلوگیری از خونریزی و آدمکش می‌شود. آن را «عقل» هم نامیدند، به جهت آنکه یکی از معناهای «عقل» منع کردن است، دیه مانع و باز دارنده از آدمکش است، آن را عقل می‌گویند. علاوه بر اینکه دیه از هدر بودن و هدر رفتن خون افرادی که شرعاً ریختن خون آنها ممنوع است. ممانعت می‌نماید. زیرا افرادی که به علت کيفر شرعی یا قصاص، خونشان ریخته می‌شود، خونشان هدر است و خودشان مهدور الدم هستند. قصاص و دیه ندارند، اما افرادی که شرعاً ریختن خون آنها حرام و ممنوع است، در صورتی که به قتل برسند، قصاص یا دیه دارند، عفو از قصاص و دیه نیز دلیل مهدور الدم نبودن مقتول است. در حقیقت پرداخت دیه، نوعی احترام به انسان و گرامی داشتن خون انسان است اگر دیه نباشد و نسبت به ریخته شدن خون انسان، احساس مسئولیت نشود در نظام اجتماعی و زندگی جمعی با کمترین اختلاف و تعارض اقدام به ریختن خون یکدیگر می‌نمایند و زندگی در جامعه ناامن می‌شود. دیه یا قصاص نوعی احساس مسئولیت و ایجاد امنیت در زندگی اجتماعی می‌گردد (مومنی، ۱۳۸۲).

تعاریف دیه

دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مبنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می‌شود. در اصطلاح فقهی دیه مقدار مالی است که از طرف قائل به اولیاء دم پرداخت می‌شود. در قتل عمدی با وجود در خواست ولی دم و امکان قصاص محلی برای پرداخت و مطالبه نیست، اما در صورتیکه ولی دم، دیه قتل طلب کند و قاتل نیز راضی باشد. دیه جار قصاص را خواهد گرفت. البته در قتل عمد طرفین می‌توانند به کمترین یا به بیشتر از آن توافق نمایند بطور کلیدر قتل عمدی، واجب اصل قصاص است نه یکی از دو چیز قصاص یا دیه اما در صورتیکه قاتل فرار کند یا اصلاً هلاک شود تکلیف چیست؟ اگر قاتل قتل عمدی فرار کرد و اجرای قصاص بر او ممکن نشد یا اینکه مرد. دیه از مال قاتل اخذ می‌شود و اگر مال نداشت و یا اگر داشت اما اخذ دیه از آن ممکن نشد از مال الاقرب فالاقرب نیست به وی گرفته می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۱). قانون جمهوری اسلامی در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی نیز می‌گوید: دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه خواهد بود لیکن فقط در مورد شتر لازم است که سن آنها از ۵ سال گذشته و داخل در سال ۶ شده باشد. به نظر می‌رسد که تعلق دیه در ۱۸ صورت عدم امکان اجرای قصاص نیست به قاتل به شرطی که سبب آن خود ولی دم نباشد منصفانه است زیرا که اگر مرگ قاتل موجب سقوط دیه مقتول گردد قاتل ممکن است پس از ارتکاب جنایت با خودکشی خون مجنی علیه را باطل سازد و این امر بر خلاف عقل و منطق و مصالح جامعه است. بنابراین لازم است عواقب و خیم جنایت دامنگیر جانی در هر حال باشد و هیچ امری از امور حتی مرگ وی نباید حق ثابت و مسلم اولیاء دم را متزلزل نماید. علیهذا در صورتیکه ولی دم خود قصاص جانی را به تاخیر



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

نیانداخته و موجبات بطلان دم مجنی علیه را فراهم کرده باشد قاتل بمیرد یا فرار کند بطوری که دسترسی بر وی ممکن نباشد یا خودکشی کند و امثال آن دیه از مال قاتل و الما از محل دیگر پرداخت گردد.

اسباب و جوب دیه

اسباب و جوب دیه، جنایت خطایی یا مشابه خطاء می‌باشد، یعنی گاهی جنایت عمور است که در صورت عمدی بودن جنایت، حکم شرعی قصاص است، اگر به عوض قصاص مصالحه به دیه نمائند، دیه واجب می‌شوند، ولی جوب این دیه از ناحیه شرع نیست و با مصالحه میان جنایتکار و صاحبان خون واجب می‌گردد اما اگر جنایت خطایی یا مشابه خطا باشد در شرع حکم به جوب دیه گردید که جنایتکار باید آن را بپردازد. جنایت خطایی همانند آنکه انسان تیری به طرف حیوانی پرتاب می‌کند آن تیر به انسانی اصابت می‌کند یا اینکه تیر را به طرف شخص معینی پرتاب می‌کند آن تیر به شخص دیگری برخورد می‌نماید که در حقیقت یا اصلاً قصد انسانی را نداشته یا اینکه شخص مصدوم را مقصود نداشته است. جنایت مشابه عمد یا مشابه خطا این است که قصد به فعل دارد، یعنی می‌خواهد بزند، اما یا چیزی می‌زند که غالباً کشنده نسبت و فعل را از روی دشمن انجام نمی‌دهد. یعنی از روی دشمنی نمی‌زند مثل اینکه بابت تربیت و ادب کردن می‌زند و به گونه‌ای که غالباً کشنده نسبت ولی با این زدن شخص کتک خورده می‌میرد. قاعده کلی در تشخیص جنایت عمدی از جنایت خطایی و مشابه خطا این است که در خیانت عمدی، تعهد نسبت به فعل و قصد دارد، مثل این که کشتن شخص معینی را قصد می‌کند. جنایت خطایی شبیه به عمد این است که تعهد به فعل داشته یعنی اراده زدن شخص معین را داشته، اما در قصد مرتکب خطا شده است، قصد کشتن را نداشته و اراده فعلی که غالباً کشنده نبود را نموده خطا قتل اتفاق افتاده که آن را خطا شبیه عمد می‌نامند (گرجی، ۱۳۸۰).

مبانی فقهی دیه

ریشه یابی تاریخی احکام فقهی اسلام در بسیاری از موارد می‌تواند راه‌گشای تحقیق در سیمای واقعی احکام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... باشد. هم‌چنین ما را در تمییز میان احکام امضایی و تأسیسی یاری نماید و می‌تواند تا حد زیادی به درک فلسفه و کارکرد اجتماعی این احکام کمک کند. بر این اساس، نگاهی اجمالی به نمودهای میزان دیه در قانون‌گذاری‌های جوامع گوناگون، به ویژه عرب جاهلیت ضروری می‌نماید. در قوانین بابلی و آشوری، نظام دیه شناخته شده بود؛ ولی همه افراد جوامع بابلی و آشوری دارای دیه معین و واحدی نبودند. این قوانین اصل برابری مردم در مقابل قانون را رعایت نمی‌کردند و مقدار دیه با اختلاف مقامی مجنی علیه و منزلتش در جامعه متفاوت می‌شد در قانون حمورابی، فقط در مورد جرایم ارتكابی بردگان به پرداخت دیه حکم می‌شد. در عرب جاهلیت، در داخل یک قبیله، پرداخت دیه مطرح نبوده است؛ اما در میان قبایل مختلف، گرچه بیشتر تلاش‌ها بر انتقام‌گیری متمرکز می‌شد، نظام دیه نیز رایج بود. اما میزان دیه بسیار متفاوت بود و به مقام و منزلت قبیله مجنی علیه بستگی داشت. در این دوران، اصطلاحاتی چون «دیه ملوک»، «دیه صریح»، «دیه حلیف»، «دیه هجین» و ... را می‌توان مشاهده نمود که هر کدام در مقدار، با دیگری فرق دارد (ادریس، ۱۳۷۷).

در حقیقت، اعراب جاهلی نظام پرداخت دیه را برای تسویه منازعاتشان پذیرفته بودند، ولی میزان دیه توافقی بوده است. اسلام نیز سنت أخذ دیه را، که بین اعراب جاهلی مرسوم بود، امضا نمود و با قرار دادن مقررات ویژه‌ای آن را مضبوط ساخت. در میان جوامع غربی، درباره یونان، نکته مشخصی را در خصوص دیه نمی‌توان یافت. در روم، بیشتر تلاش بر قصاص است و أخذ دیه استثناً محسوب می‌شود و بر دیه نفس، نصی وجود ندارد. در قبایل انگلوساکسون، مجنی علیه در گرفتن دیه یا خون خواهی مختار است و بهای دیه نفس، از راه مصالحه میان اطراف قضیه و رضایت آنان معین می‌گردد. اما از میان آیین‌های آسمانی، آیین یهود هیچ نصی



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

صریحی ندارد که أخذ دیه را مباح کرده باشد و اصل بر قصاص بوده است. تنها مظهر أخذ دیه، در سقط جنین مشاهده می‌شود. در انجیل نیز به صراحت، هیچ نصی وجود ندارد (ادریس، ۱۳۷۷).

به طور عمده سه دیدگاه کلی را می‌توان در خصوص میزان دیه غیرمسلمان شماره کرد که به نقل، نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:
دیدگاه اول: تساوی دیه غیرمسلمان با دیه مسلمان

۱- آیه‌ای که مشروعیت دیه را ثابت می‌کند، هم شامل مسلمان است، هم غیرمسلمان. خداوند می‌فرماید: «... من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة و دية مسلمة إلى أهله...» این قسمت ایه، اختصاص دارد به دیه مسلمان. در ادامه می‌فرماید: «... و ان كان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدية مسلمة إلى أهله...». مراد از «دیه مسلمة إلى أهله» همان دیه ای است که در قتل مؤمن ثابت است. بنابراین، طبق ظاهر این ایه، دیه مسلمان و غیرمسلمان برابر است. نه تنها فقهای حنفیه، بلکه بسیاری از مفسران نیز به همین مفهوم از ایه قائل اند (همان، ۱۲۰).

۲ - روایتی از ابن عباس نقل شده است و حکم تساوی دیه را بیان می‌کند. در روایت آمده است رسول خدا (ص) به دو عامری (از اهالی عامر که مشرک بودند) که در امان او بودند و عمر بن امیه ضمیری آنها را کشت، دیه دو مسلمان آزاد عطا نمودند.

۳ - روایتی از پیامبر که فرمودند: «دیه هر معاهدی در زمان عهدش هزار دینار است» و ابوبکر و عمر نیز گفته اند: «دیه ذمی مانند دیه مسلمانان آزاد است».

۴ - روایتی از علی(ع) که فرمودند: «همانا آنها [اهل ذمه] ذمه ما را پذیرفتند و به ما جزیه دادند تا خونشان مانند خونمان باشد و اموالشان مانند اموالمان».

۵ - از «زهري» نقل شده است که گفت: «ابوبکر و عمر حکم کردند به اینکه دیه ذمی مانند دیه مسلمان است. و هم چنین از ابن مسعود نیز نقل شده که: «دیه اهل کتاب مانند دیه مسلمان است».

۶ - وجوب دیه کامل به کامل بودن حال مقتول در آن اموری که به احکام دنیا بر می‌گردد، بستگی دارد. آن امور عبارتند از مذکر بودن، آزاد بودن و محقون الدم بودن. این شرایط در غیرمسلمان و مسلمان به طور مساوی وجود دارد؛ بنابراین آنها در گرفتن دیه، مساوی خواهند بود.

دیدگاه دوم: نابرابری دیه مسلمان با غیرمسلمان:

طرفداران این دیدگاه، هرچند در خصوص نابرابر بودن دیه مسلمان و غیرمسلمان با هم متفق اند، در خصوص مقدار دیه غیرمسلمان اختلاف دارند و به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

در قرآن کریم، فقط در یک آیه از دیه نام برده شده است و در این آیه هم اسمی از زن و مرد و تفاوت دیه آنها به میان نیامده، و البته مقدار دیه هم تعیین نشده است. خلاصه مفاد آیه ۹۲ سوره نسا این است که اگر کسی مؤمن را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده آزاد کند و دیه‌ای نیز به خانواده مقتول بدهد. (و ما كان المؤمن ان يقتل مؤمنا الاخطا و من قتل مؤمنا خطأ فتحرير رقبة مؤمنة و دیه مسلمة الى اهله الا ان يصدقوا فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة و ان كان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدية مسلمة الى اهله و تحرير رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبه من الله و كان الله علیما حکیما (نسا، ۹۲).

در این آیه از قرآن مقرر شده است که اگر فرد مسلمانی یا کسیکه با مسلمین پیمان دارد روی خطا و غیرعمد به قتل رسید، به غیر از کفاره که آزاد کردن برده است باید دیه ای به خانواده مقتول پرداخت شود. شأن نزول آیه را هم عموم مفسرین گفته اند در مورد مردی که شخص مسلمان شده‌ای را به خیال اینکه همچنان کافر است به قتل رسانده و بعد که خبر به پیامبر(ص) رسید ناراحت شد و آیه نازل شد که باید دیه پرداخت گردد.



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

در این آیه از قرآن کریم که از دیه نام برده شده فقط دیه نفس، یعنی دیه مربوط به کشتن انسانی به صورت خطا ذکر شده است و میزان دیه هم تعیین نشده بلکه همین اندازه مقرر شده که مبلغی به عنوان دیه باید به خانواده مقتول پرداخته شود. در این آیه نه میزان دیه تعیین شده و نه تصریحاً تفاوت بین زن و مرد از لحاظ مقدار دیه ذکر شده است، البته لفظ بکار رفته در مورد مقتول به صورت مذکر (و من قتل مؤمناً...) آمده و شأن نزول آیه هم در موردی است که کسی مردی را به قتل رسانده بود، ولی پیدا است این نوع بیان نمی‌تواند دلیل باشد بر اینکه عنایت قرآن فقط به مرد بوده و زنان مشمول حکم نیستند، در این گونه خطابات امر لفظ مذکر هم به کار رفته، منظور جنس است و علی‌القاعده شامل زن و مرد می‌گردد مگر اینکه قرینه خاصی دلالت بر این اختصاص نماید. (قریان نیا، ۱۳۸۴).

مسئله‌ی دیه‌ی مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان از دیدگاه علمای شیعه امامیه و اهل سنت، مورد اختلاف است. از دیدگاه اهل سنت، دیه‌ی مسیحی و یهودی با دیه زرتشتی فرق دارد و در دیه‌ی مسیحی و یهودی هم اختلاف نظر دارند. برخی از آنان دیه‌ی این دو امر را یک سوم دیه‌ی مسلمان می‌دانند، برخی یک دوم دیه‌ی مسلمان گفته‌اند، برخی دیه‌ی آن دو را دیه‌ی کامل می‌دانند و برخی هم می‌گویند: اگر کسی مسیحی یا یهودی را به عمد بکشد باید دیه‌ی کامل بدهد و اگر به خطا بکشد باید نصف دیه‌ی مسلمان، دیه بدهد و در مورد زرتشتیان، مالکی‌ها و شافعی‌ها گفته‌اند که دیه‌ی آنان هشتصد درهم است (میرسعیدی، ۱۳۷۳).

پرداخت دیه به مجنی علیه یا اولیای دم در قبال جنایتی که بر مجنی علیه وارد شده است هماهنگ با تفکری است که امروزه زیر بنای آنچه را که آن را عدالت ترمیمی می‌نامیم تشکیل می‌دهد، زیرا تکیه اصلی در این تأسیس بر جبران زیان قربانی جرم، تا آنجا که پرداخت ما به ازای مالی ممکن می‌باشد، است. بعلاوه، برخی این تأسیس را در واقع تخفیفی از جانب خداوند دانسته و اظهار داشته‌اند که حکمی که برای پیروان دین یهود در تورات آمده بود تنها قصاص و دیه را در کنار هم پیش‌بینی کرده است و همان طور که خداوند می‌فرماید: «ذلک تخفیف من ربکم و رحمہ»، که منظور از آن این است که در پیش‌بینی امکان عفو جانی و تبدیل قصاص به دیه در اسلام در واقع تخفیفی است نسبت به آنچه که در میان بنی اسرائیل در مورد بلا تغییر بودن حکم قصاص وجود داشته است. ذکر این نکته ضروری است که در حال حاضر، دیگر رابطه حکومت اسلامی با غیر مسلمان از نوع ذمی و یا... نیست؛ بلکه در چارچوب تابعیت متجلی گشته است. از این رو دولت اسلامی موظف است اولاً میزان دیه غیرمسلمان (اقلیت‌ها) را صریحاً در قوانین بیان نماید و ثانیاً این میزان را مساوی سایر آحاد ملت قرار دهد. دو دلیل عمده بر این تکلیف دولت می‌توان اقامه نمود. دلیل نخست همان تساوی دیه از دیدگاه فقهی است که مطرح شد. دلیل دوم قانون است. گرچه قانون مجازات اسلامی در خصوص دیه اقلیت‌ها ساکت است، در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی تصریح شده است که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. بنابراین اگر در میان میزان دیه اتباع حکومت اسلامی به جهت دینشان فرقی گذاشته شود. مستلزم تفکیک دماء آحاد اتباع حکومت اسلامی است و نشان دهنده یکسان نبودن حمایت قانون از تمام اتباع خود می‌باشد و ...

علاوه بر وجه ذکر شده، بر طبق مواد نخست هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم چنین بر طبق ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۳۴۵ به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است، تساوی در برابر قانون بدون محدودیتی از جهت جنس و نژاد و مذهب و ... جزو تعهدات رسمی و بین‌المللی است و باید در قوانین داخلی نیز رعایت گردد. مفهوم حقوقی تساوی در برابر قانون آن است که مقنن، همه افراد، از جنس و رنگ و مذهب و ... را به یک چشم نگریده، برای آنان حکم واحدی صادر نماید و به طور یکسان در حمایت قانون قرار دهد. برطرف سازد و محاکمی نیز که در حال حاضر با توجه به اینکه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی به منابع معتبر فقهی رجوع می‌نمایند، باید احکام خود را منطبق بر دیدگاه تساوی دیه صادر نمایند (چنانچه اخیراً در چند مورد، به همین شکل انجام شده است).



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

نگرش کلی اسلام به تساوی افراد

با اندک تأملی در قوانین و مقررات اسلامی به این حقیقت می‌رسیم که اسلام دینی است جامع که برای کوچکترین تا بزرگترین مسائلی که یک انسان در جهان هستی ممکن است بدان نیاز پیدا کند قانون وضع کرده است. و قوانین آن ساخته فکر بشر نیست که در آن خطا و اشتباه رخ بدهد و یا توجه به دوره و جامعه‌ای خاص زمینه ساخت آن قوانین باشد که با تغییر آن جامعه و یا محیط و یا دوره نیاز به قوانین جدید داشته باشیم بلکه قوانین اسلامی نشأت گرفته از سرچشمه وحی است که هرگز اشتباهی در آن رخ نمی‌دهد و کلامی است برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها و قوانین الهی بر اساس مصالح و حقایقی است که ممکن است بشر با فکر محدود خود نتواند آن را دریابد.

اصل مهمی که در اسلام به آن توجه شده و در قرآن کریم به عنوان یک قانون برای تمام انسان‌ها در تمام دوره‌ها قرار داده شده است احترام به جان هر انسانی و حق حیات اوست. قرآن کریم پس از آنکه جریان کشته شدن هابیل توسط قابیل را بیان می‌کند می‌فرماید: «به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین، بکشد چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» (مائده، آیه ۳۲).

آمدن نام بنی اسرائیل هم در این آیه به این جهت است که اولین بار این حکم الهی در آن قوم تثبیت شد چون قتل و خونریزی مخصوصاً قتل‌هایی که از حسد و برتری‌طلبی سرچشمه می‌گیرد در میان آنها فراوان بوده و هم اکنون نیز قربانیان بی‌گناهی که به دست آنها کشته می‌شوند کم نیستند. (مکارم شیراز، ۱۳۶۱).

بنابراین بر اساس این قانون الهی اصل اولی این است که خون همه انسان‌ها محترم است و هیچ کس بدون جهت قانونی حق تعرض به احدی را ندارد تا بدانجا که اگر کسی انسانی را بکشد گویا حیات بشریت را مورد تهدید قرار داده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، با اهل کتاب -خداپرستان غیرمسلمان- قراردادهای همکاری متقابل منعقد نمود و براساس آن احترام به حقوق آنان را به عنوان یک قانون در حکومت اسلامی قرار داد (جعفریان، ۱۳۸۰).

پس از آن نیز همواره در احکام و قوانین اسلامی برای چنین افرادی که قصد جنگ و تعرض به مسلمانان نداشتند حقوق اجتماعی قرار داده شد. و بر طبق این قوانین دولت اسلامی متعهد مصونیت مطلق و همه جانبه آنهاست و جان و مال و ناموس آنان مورد حمایت و حفاظت کامل دولت اسلامی می‌باشد و هر فرد مسلمان یا غیرمسلمانی که مرتکب قتل یا جرح و یا آزار هموطن خود گردد مطابق قوانین قضایی و جزایی اسلام به مجازات خواهد رسید. در مورد اموال هموطنان غیرمسلمان باید این نکته را اضافه کنیم که مقصود تنها کالاها و اجناسی که از نظر قانون اسلام ارزش مالی دارد نیست بلکه شامل هر آنچه که آنان مطابق مقررات خود برای آن ارزش مالی قائلند نیز می‌شود مگر آنکه قانون خاصی در این جهت وضع شده باشد. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «آگاه باشید کسی که بر معاهدی -هم‌پیمان غیرمسلمان- ستم کند و یا پیمانش را بشکند و یا او را به کاری بیش از قدرت و امکانش وا دارد و یا از او چیزی بدون رضایت خاطرش بگیرد من در روز باز پسین او را به محاکمه و بازخواست خواهم کشاند» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷).

یکی از مقررات مفصل اسلام قانون دیات می‌باشد. چنان که گفته‌اند در شریعت یهود قانون دیه وجود ندارد اما در مسیحیت وجود دارد و الزامی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

اسلام ضمن امضای نهاد دیات آن را بر نظام خاصی مبتنی کرد و مقدار آن را به طور دقیق مشخص و تعیین نمود (میرسعیدی، ۱۳۷۳).



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

یکی از احکام مقرر در دیات، لزوم تساوی بودن جانی و مجنی علیه در دین برای یکی بودن دیه پرداختی می‌باشد که بر اساس آن اگر هر دو آنها مسلمان و یا غیرمسلمان باشند دیه آنها یکی است. اما اگر مسلمانی غیرمسلمانی را بکشد مقدار دیه او کمتر از دیه یک مرد مسلمان است (موسوی خمینی، ۱۳۶۳).

دلایل تفاوت دیه افراد در اسلام

دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه یک دستور خاصی است که ناظر به مرتبه بدن انسان کشته شده می‌باشد، نشانه آن این است که اسلام بسیاری از افراد اعم از زن و مرد را که دارای اختلاف علمی یا عملی‌اند متفاوت می‌بیند و تساوی آنها را نفی می‌کند، و در عین حال دیه آنها را مساوی می‌داند، مثلاً درباره تفاوت عالم و جاهل می‌گوید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، آیه ۹).

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساویند؟

و درباره تفاوت مجاهد قائم و غیر مجاهد قاعد چنین می‌فرماید:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نساء، آیه ۹۵)

مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند.

و درباره اختلاف کسی که قبل از فتح مکه و پیروزی چشمگیر اسلام، جهاد و کمک مالی می‌کرد و در راه خدا مبارزه و انفاق می‌نمود با کسی که بعد از فتح مکه در جهاد شرکت می‌کرد و در راه اسلام کمک مالی می‌نمود چنین می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (حدید، آیه ۱۰)

کسانی از شما که پیش از فتح مکه انفاق و جهاد کرده‌اند با دیگران یسکان نیستند، آنان از حیث درجه بزرگتر از کسانی‌اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند.

غرض آن که قرآن کریم با تصریح به عدم تساوی ارزش‌های الهی افراد یاد شده و با اصرار بر تفاوت معنوی آنان تصریح به تساوی آنان در قصاص و دیه دارد و در این باره راجع به تساوی همگان چنین می‌فرماید:

«وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (مائده، آیه ۴۵)

و مقرر کردیم برایشان که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می‌باشد و زخم‌ها به همان ترتیب قصاص دارند و هر که آن را ببخشد پس کفاره (گناهان) او خواهد بود.

یعنی هر انسانی اعم از زن و مرد در قبال انسان دیگر خواه زن و مرد قصاص می‌شود چه این که قصاص اجزا و اطراف و قصاص جراحات‌ها نیز مساوی است، لیکن همین عموم یا اطلاق در آیه دیگر تقیید و تخصیص می‌پذیرد زیرا خداوند در آیه دیگر چنین فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى» (بقره، آیه ۱۷۸).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید درباره کشتگان، بر شما قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن.

با این آیه، عموم یا اطلاق آیه قبلی تخصیص یا تقیید می‌پذیرد، یعنی زن در قبال زن قصاص می‌شود نه مرد، و حکم دیه در اسلام با تفاوت بین زن و مرد تعیین می‌گردد. گرچه از جهت ارزش‌های معنوی ممکن است زنی بیش از مرد نزد خدا مقرب باشد بنابراین تساوی دیه عالم و جاهل نه از ارج و منزلت عالم می‌کاهد و نه بر مقام جاهل می‌افزاید. و نیز تفاوت دیه مرد و زن نه بر منزلت مرد می‌افزاید و نه از مقام زن می‌کاهد، زیرا برخی از تفاوت‌های مادی و مالی هیچگونه ارتباطی به مقام‌های معنوی ندارد. هیچگونه تلازم



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

عقلی یا نقلی بین دیه و کمال معنوی وجود ندارد تا هر اندازه دیه بیشتر شود، قداست روح مقتول و تقرب وی نزد خدا افزون‌تر باشد چون حکم کلامی قتل ناظر به ارزش معنوی انسان مقتول است لذا قتل عمدی مرد یا زن مؤمن از هت‌بحث‌های کلامی یکسان است یعنی اگر قتل عمدی مؤمن عذاب ابدی یا دراز مدت را به دنبال دارد هرگز فرقی بین آن که مؤمن مقتول عمدی زن باشد یا مرد، مسلمان باشد یا غیر مسلمان، وجود ندارد، چه این که از جهت لزوم کفاره هیچ فرقی بین قتل زن و مرد نیست یعنی در قتل عمدی کفاره جمع بین آزاد کردن برده و روزه شصت روز و اطعام شصت مسکین واجب است و در قتل غیر عمد کفاره به نحو ترتیب نه به نحو جمع و نه به طور تخییر، واجب می‌شود و از این لحاظ فقهی نیز فرقی بین قتل زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان نیست. در بحث تفاوت در دیه، بین دیه زن و مرد نیز اختلافاتی وجود دارد که بنابر تشابه موضوع اشاراتی به این موضوع خواهد شد.

بحث پیرامون تفاوت بین زن و مرد در برخی مقررات اسلامی از جمله قصاص و دیه، سابقه‌ای طولانی دارد لیکن در قرن اخیر ابعاد وسیع‌تر و جدی‌تری پیدا کرده است. گاه سخن از بازخوانی مجدد منابع احکام برای استنباط حکمی تازه در این‌باره است و زمانی بحث از نقش و تأثیر زمان و مکان در این مسئله یا کم‌ارزش شمرده شدن جان و حق حیات زن در قانون قصاص و دیه و ارتباط این قانون با ترویج خشونت بر ضد زنان است. فقهای مسلمان به اتفاق بر این باور هستند که زن و مرد مسلمان در برابر یکدیگر قصاص می‌شوند؛ لیکن قصاص مرد در برابر زن مشروط به پرداخت «فاضل دیه» یعنی نصف دیه مرد به اولیای دم زن است. روایات معتبر و متعددی بر نظریه مذکور دلالت دارد که مورد استناد فقهای شیعه قرار گرفته است.

مطابق نظریه فقهای مسلمان، زن و مرد در قصاص عضو با یکدیگر برابر هستند، تا آنجا که دیه عضو به ثلث دیه کامل برسد. در آن صورت، قصاص عضو مرد در مقابل عضو زن، مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد از سوی زن به مرد است. از قوانین مورد اتفاق بین فقهای مسلمان، مقدار دیه مرد و زن است؛ به گونه‌ای که تاکنون هیچ مخالفی در میان اندیشمندان شیعه، نداشته است و در میان علمای اهل سنت نیز مخالف قابل توجهی وجود ندارد. همگان بر این عقیده هستند که دیه کامل تعیین شده در فقه جزایی اسلام، برای نفس مرد است و دیه نفس زن نصف آن است. فقهای شیعه در این‌باره به روایات معتبری استناد کرده‌اند. درباره دیه عضو معتقدند که دیه عضو مرد و زن با یکدیگر برابر است تا آن‌گاه که دیه عضو مصدوم به ثلث دیه کامل برسد و در آن صورت دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می‌یابد. مستند این نظریه روایات معتبری است.

دلایل برابری در دیه و قصاص

آنچه درباره قصاص و دیه نفس و عضو زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان بیان شد، مورد اتفاق فقهای اسلام است. البته برخی از فقها در سال‌های اخیر درباره برابری زن و مرد در قصاص و دیه نفس و عضو، نظریه‌هایی ارائه نموده‌اند و در اینجا به بیان دلایل این نظریه و نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود:

- عدالت خداوند متعال

از آیات قرآن استفاده می‌شود که سخنان و احکام خدا، حق و عادلانه است و در تکوین و تشریح نسبت به بندگان ظلم نکرده است. «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انعام، آیه ۱۱۵). کلام پروردگار تو با صدق و عدل به حد تمام رسید.

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصِّلِينَ» (انعام، آیه ۵۷). حکم و فرمان تنها از آن خداست؛ حق را از باطل جدا می‌کند و او بهترین جدا کننده (حق از باطل) است.

«وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ» (فصلت، آیه ۴۶). پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه و الزام اولیای زن به پرداخت نصف دیه مرد هنگام قصاص مرد در برابر زن، بدون مشروط کردن قصاص زن در برابر مرد به چنین شرطی، از نظر عرف، ظلم و مخالف حق و عدالت است و خداوند نه تنها چنین سخنی نمی‌گوید، بلکه این‌گونه حکم نمی‌کند. بنابراین زن و مرد در حقیقت انسانی و حقوق اجتماعی و اقتصادی از جمله قصاص و دیه با یکدیگر مساوی‌اند و روایاتی که بین آنها در قصاص و دیه تفاوت می‌گذارد، مخالف کتاب است و این‌گونه روایات را طبق "اخباررد" - روایاتی است که دستور می‌دهد روایات مخالف قرآن را کنار بگذارید و به آن عمل نکنید- باید کنار گذاشت (صانعی، ۱۳۶۵: ۱۶۷).

کبرای این استدلال صحیح است و شکی نیست که کلام و احکام الهی مطابق با حق و عدل است؛ لیکن اشکال در صغرای استدلال است. زیرا معلوم نیست که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه، مصداق باطل و ظلم باشد؛ بلکه با توجه به نظام جامع حقوقی اسلام، این تفاوت عین حق و عدل ارزیابی می‌گردد. عمده فعالیت‌ها و وظایف اقتصادی خانواده در اسلام، وظیفه مرد شمرده شده است. نقش اقتصادی مرد در خانواده و جامعه به گونه‌ای ترسیم شده است که در صورت فقدان یا آسیب دیدن یک مرد، ضرر و زیان مادی زیادی به خانواده می‌رسد. طبیعی است که دیه مرد در چنین نظامی بیش از دیه زن ارزیابی و تعیین گردد و این تفاوت، ایجاد نوعی توازن بین حقوق و وظایف مرد در نظام حقوقی اسلام و مطابق حق و عدالت است.

علاوه بر این اگر حقوق زن و مرد جدا از سایر اجزای نظام حقوقی اسلام ارزیابی شود، باید هرگونه تفاوت بین زن و مرد، ناحق و مخالف عدل، بلکه مصداق ظلم دانسته شود، حتی تفاوت‌هایی که در قرآن کریم به آن تصریح شده است، مانند ارث زن و مرد و در این حال باید پذیرفت که کلام خداوند در درون خود دچار تناقض است.

- برابری همه انسان‌ها با یکدیگر

انسان‌ها در آیات و روایات، اعم از زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه و عرب و غیرعرب، با هم در حقیقت انسانی برابرند و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، آیه ۱). ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر وی را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. عموم کلمه «اتقوا» در آیه به جهت حذف متعلق، ظهور در خودداری از هر نوع ستم در سیاست، اقتصاد، شخصیت اجتماعی و قانون‌گذاری دارد. از این رو مردم باید از قوانینی که در نظر عرف و عقلا ظالمانه است دوری گزینند و در این صورت خداوند سزاوارتر است که در تشریح از اجحاف بپرهیزد و در حقوق انسانی و اجتماعی بین انسان‌ها تبعیض قائل نشود. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مردم بسان دندانه‌های شانه با یکدیگر برابرند. با وجود این قبیل آیات و روایات، که در قرآن و منابع روایی فراوان است، شکی باقی نمی‌ماند که تفاوت بین انسان‌ها به دلیل تفاوت در قصاص و دیه از نظر کتاب و سنت، ظلم و مردود است. از این رو اخبار مدعی تفاوت بین زن و مرد را باید کنار گذاشت. بنابراین تساوی و عدالت در تمامی حقوق بین افراد بشر از جمله زن و مرد لازم است؛ اما تساوی در حقوق غیر از تشابه در آن است و تشابه در حقوق هیچ توجیه عقلی و شرعی ندارد. اگرچه ارث انسان مذکر و مؤنث مطابق تصریح قرآن، مشابه نیست، لیکن عادلانه و مساوی است و ظلمی در آن وجود ندارد. زیرا اداره امور اقتصادی خانواده در حقوق اسلام به عهده مرد است.

به این استدلال نیز اشکالاتی وارد است. اولاً، پیام آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (اعراف، آیه ۱۸۹). این است که انسان‌ها، اعم از زن و مرد، از یک نفس آفریده شده‌اند و دلیلی موجود نیست که بتوان خلقت زن و مرد از یک نفس را به معنای تشابه حقوق زن و مرد و برابری حقوق آنها در هر مورد جزئی دانست. همچنین نمی‌توان تشابه و برابری را در هر مورد جزئی به قصاص و دیه اختصاص داد؛ بلکه باید به تمامی ابعاد وجودی زن و مرد تسری داده شود. لیکن واضح است که هیچ کس حاضر به پذیرش این سخن و نتیجه آن



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

نیست. زیرا با توجه به وجود ده‌ها و بلکه صدها تفاوت فیزیکی و روحی بین زن و مرد، مشکل تخصیص اکثر پیش می‌آید که از نظر علم اصول، مستهجن و قبیح و از ساحت سخنوری حکیم به دور است. پس روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد می‌کند و دیه زن را نصف دیه مرد بیان می‌نماید، هیچ‌گونه تعارضی با این قبیل آیات ندارد. ثانیاً، آیا تساوی حقوق زن و مرد به این معناست که حقوق و وظایف زن و مرد در هر مورد جزئی، یکسان و مانند یکدیگر است؛ یا اینکه حقوق و وظایف تعیین شده برای زن و مرد در نظام حقوقی اسلام، در مجموع، مساوی است. مسلماً صورت دوم مورد نظر می‌باشد. بنابراین ملاک ارزیابی، مجموع حقوق و وظایف زن و مرد در نظام حقوقی اسلام می‌باشد که در آن تساوی برقرار است و نمی‌توان هر مورد جزئی را به تنهایی ارزیابی و حکم به برابری یا نابرابری نمود. لذا صحیح نیست که قانون قصاص و دیه زن و مرد، منفک از سایر اجزای نظام حقوقی اسلام ارزیابی شود و تفاوت بین زن و مرد در آن مخالف برابری حقوق زن و مرد و ظلم به زن قلمداد گردد. همچنین روایات بیان‌کننده این تفاوت را باید مخالف کتاب شمرده آنها را و کنار گذاشت. به بیان دیگر، کبرای این استدلال که همان عدالت خداوند متعال است صحیح می‌باشد؛ لیکن صغرای آن مخدوش است. لذا روایات مذکور، مخالف قرآن نیست.

- صراحت آیات قصاص

خداوند در قرآن کریم حکم قصاص بین زن و مرد را بیان فرموده است: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا» (مانده، آیه ۴۵). و طبق دستور اخبار رد، روایات مخالف قرآن را باید طرد کرد و از ترتیب اثر دادن به آن خودداری ورزید. اگرچه در بدو امر امکان دارد بین آیه ۴۵ سوره مائده و روایات بیان‌کننده تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه، تعارض ایجاد شود، لیکن با توجه به قرینه موجود باید اخبار رد در مقام کشف از مراد جدی را، تنها بر مخالفت تبیینی و عموم و خصوص من وجه در نظر گرفت. قرینه این است که همان معصومانی که اصل اخبار رد را بیان فرمودند، به ضرورت فقه، عموم و اطلاق آیات قرآنی را در صدها مورد تخصیص و تقیید زده‌اند. بدین‌سان معلوم می‌شود روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد می‌کند، تعارضی با آیه ۴۵ سوره مائده ندارد و تنها اطلاق آنرا مقید می‌نماید (صانعی، ۱۳۶۵).

- نقش زمان و مکان در قصاص و دیه

برخی بر این باورند که دیه از احکام امضایی اسلام و متأثر از اوضاع و احوال خاص زمان و مکان ظهور اسلام است. از این‌رو منافاتی ندارد که همگام با تغییرها و تحول درخواست و اراده مردم و مطابق با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان، در قصاص مرد در برابر زن و میزان دیه زن تجدیدنظر شود.

باید توجه داشت که اسلام فقط آن دسته از قوانینی را که از مبنای عقلایی و قابلیت بقا بهره‌مند بود و می‌توانست با اصلاحاتی در تسهیل و سامان دادن امور اجتماعی مردم نقش مؤثر داشته باشد، پذیرفت. قصاص و دیه از این قبیل مقررات است؛ از این‌رو هیچ ملازم‌های بین امضایی بودن یک حکم و عدم ثبات و دوام آن وجود ندارد؛ بلکه حکم مورد امضا مانند احکام تأسیسی، مشمول حدیث «حلال دین محمد تا روز قیامت حلال و حرام آن تا روز قیامت حرام است» می‌باشد؛ در غیر این صورت هیچ‌گاه چنین حکمی به طور مطلق امضا نمی‌شد (همان، ۱۹۸).

نکته قابل توجه در این‌باره این است که مقررات قصاص و دیه زن و مرد در نظام حقوق اسلامی با دیگر مقررات موجود در این نظام ارتباط وثیق دارد و کامل‌کننده یکدیگر هستند و تغییر برخی از این مقررات، موجب ناهماهنگی در این نظام حقوقی می‌شود. زیرا در



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

نظام حقوقی اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده به عهده مرد است و مشروط نمودن قصاص مرد در برابر زن به پرداخت نصف دیه مرد یا تعیین دیه زن به میزان نصف دیه مرد، در ارتباط کامل با این مسئله است.

به نظر می‌رسد اگر تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه به دلیل مسئولیت فرد در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و سرپرستی آن است، باید درباره زنان شاغلی که درآمد خود را در اداره زندگی مشترک هزینه می‌کنند، به ویژه زنانی که سرپرستی خانواده را عهده‌دار هستند، تجدیدنظر نمود. پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که وظیفه ما در مقابل واقعیات اجتماعی چیست؟ زمانی که زن سرپرست خانواده‌ای توسط مردی به طور فجیع کشته می‌شود و احساسات عمومی شدیداً جریحه‌دار می‌گردد و خانواده مقتول نیز توانایی پرداخت نصف دیه قاتل را ندارد، راه چاره کدام است. فقها بر این نکته متفق‌اند که بیت‌المال مُعدّ مصالح مسلمانان است و مواردی چون اداره امور خانواده‌های بی‌سرپرست یا خانواده‌هایی که سرپرست آنها از کارافتاده است یا پرداخت فاضل دیه برای قصاص مرد در برابر زن در وضعیت مذکور، از مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی به شمار می‌رود. چرا که در غیر این صورت نظم و امنیت جامعه اسلامی مختل می‌گردد و نظام اسلامی ناکارآمد جلوه می‌کند. از این رو حکومت اسلامی در این گونه موارد وظیفه دارد با اختیارات خود، مشکل را از پیش روی جامعه بردارد و از بیت‌المال برای اداره امور خانواده‌های بی‌سرپرست یا دارای سرپرست از کارافتاده و مواردی از این قبیل هزینه کند تا زن مجبور به تحمل مشقت تأمین هزینه زندگی خانوادگی نشود یا با پرداخت فاضل دیه از بیت‌المال، زمینه اجرای قصاص مرد قاتل را فراهم سازد تا احساسات عمومی به ویژه خانواده مقتول، التیام و تسکین یابد و احیاناً جلوی سوء استفاده از این حکم شرعی گرفته شود و نظم و امنیت به جامعه بازگردد. چنان‌که تنی چند از فقیهان معاصر فتوا داده‌اند که حکومت در صورت اقتضای مصلحت، می‌تواند فاضل دیه زن را از بیت‌المال بپردازد تا زمینه قصاص مرد قاتل در برابر زن مقتول فراهم گردد.

با توجه به مباحث مطرح شده در بحث قصاص مرد در برابر زن و فتوای چهارتن از مراجع فعلی مبنی بر جواز پرداخت فاضل دیه زن از بیت‌المال در صورت وجود مصلحت برای فراهم شدن زمینه قصاص، پیشنهاد می‌گردد که تبصره‌ای توسط قانون‌گذار ذیل ماده دویست‌ونهم ق.م.ا. بدین شرح اضافه شود: «چنانچه مصلحت مقتضی قصاص قاتل باشد، لیکن ولی مقتول توان پرداخت فاضل دیه را نداشته باشد، فاضل دیه از بیت‌المال پرداخت گردد».

در روایات مربوط به دیه زن و مرد، علت و فلسفه نصف بودن دیه زن در مقایسه با مرد ذکر نشده است و آنچه که توسط اندیشمندان اسلامی در این زمینه بیان شده است، اشاره به یکی از حکمت‌هایی است که می‌توان برای این حکم در نظر گرفت. به هر حال آنچه مهم است این است که دیه اساساً بهای جان انسان نیست و دیه قیمت و ارزش یک انسان نیست تا کسانی اشکال کنند که اسلام قیمت جان زن را نصف مرد قرار داده است؛ بلکه دیه صرفاً جبران خسارت مادی است که به شخص وارد می‌شود و اصلاً ارتباطی به ارزش‌گذاری نسبت به شخصیت و جان انسان ندارد. اگر قرار بود دیه، قیمت جان انسان‌ها باشد، می‌بایست دیه عالم و جاهل و انسان‌های کارآمد و مفید با انسان‌های غیرمفید، متفاوت باشد، در حالی که چنین نیست.

یکی از دلایلی که در دفاع از برابری دیه زن و مرد مطرح می‌شود، تغییر موقعیت زنان و ایفای نقش آنان در تأمین اقتصاد خانواده است. لیکن این سخن با اشکال اساسی مواجه است. اول آنکه مرد هم در غالب خانواده‌ها تأمین‌کننده اصلی نفقه خانواده است و قانون همیشه متناسب با غالب جامعه، جعل و تشریح می‌شود. دوم آنکه در مواردی هم که زنان در تأمین معاش خانواده ایفای نقش می‌کنند، باز هم وظیفه قانونی‌ای بر عهده ندارند و مرد مسئول و پاسخ‌گو در این زمینه است؛ یعنی قانون، مرد را مشمول معاش خانواده می‌داند. از مجموع نظام حقوقی اسلام می‌توان می‌فهمید که جهت‌گیری‌های اسلام اساساً در راستای آن است که فشار تأمین معاش خانواده بر عهده زنان نباشد تا آنان به راحتی و بدون دغدغه خاطر و بدون تحمل فشار روحی و جسمی از ناحیه کار و اشتغال — البته به جز در موارد ضروری که نیاز جامعه اسلامی ایجاب می‌کند — به ایفای نقش مهم مادری و همسری بپردازند و قانون



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

خانواده و در نتیجه جامعه را از آثار معنوی حضور خویش بهره‌مند سازند. از همین رو سیاست‌های کلان جامعه از سوی نظام اسلامی بایستی به گونه‌ای تنظیم گردد که زنان ناچار نباشند برای حل مشکلات اقتصادی خانواده، فشار مضاعفی را تحمل کنند و کارآمدی آنان در خانواده کاهش یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در قوانین بوده ایم که بسیار مثبت تلقی می‌شود و پیشرفت‌هایی جهت حمایت از افراد صورت گرفته است، اولین مورد قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ است که در تبصره ۲ ماده ۴ آن اشعار می‌دارد: «بیمه‌گر موظف است در ایفای تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارد به زیاندیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات پرداخت نمایند. مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی به عنوان دیه حوادث پرداخت می‌گردد».

کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی، به دیه اختصاص یافته است. در ماده ۵۴۹، اشعار می‌دارد: «موارد دیه همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود».

قانون مجازات اسلامی سابق: بدون این که صراحتاً به تفاوت دیه مسلمانان با غیر مسلمانان پردازد، در ماده ۲۹۷، در مقام تعیین دیه قتل، قید «مرد مسلمان» را ذکر کرده است، که منظور از مسلمان، همانطور که در تحریرالوسیله ذکر شده است، پیروان هر یک از فرق اسلامی می‌باشد، مگر کسانی که محکوم به کفر می‌باشند، مثل ناصبی‌ها، غلاة و خوارج. با توجه به سکوت در مورد میزان دیه غیر مسلمان، قضات در موارد پیش آمده به استناد نظر معتبر فقهی رای به دیه هشتصد درهم می‌دادند. لیکن طبعاً این امر مشکلاتی را، به ویژه از لحاظ تعهد بین‌المللی دولت‌ها برای رعایت موازین حقوق بشر بین‌المللی، برای کشور پیش می‌آورد. خوشبختانه در این مورد هم، مثل بسیاری از موارد مبتلای دیگر که متأسفانه توجهی به آنها نمی‌شود، فقهی برای حل این مشکلات وجود داشت و مقنن، هر چند بار تأخیری غیر قابل توجیه، با تصویب تبصره مذکور، «براساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد».

مشکل در مورد افرادی غیر از پیروان اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی، که گاه پیرو ادیان الهی می‌باشند که در قرآن مجید نیز از آنها یاد شده است (مثل صابئین) یا در مورد افرادی که اساساً دین ندارند ولی شهروند این کشور بوده یا به عنوان جهانگرد پا به این کشور می‌گذارند وجود دارد. علی‌الاصول در صورت ارتکاب جنایتی علیه این افراد محاکم باید حکم به پرداخت غرامتی تحت عنوان «ضرر و زیان ناشی از جرم» به آنها می‌دهند، زیرا دیه ای برای آنان پیش‌بینی نشده است. اکنون در قانون مجازات اسلامی و در فصل مربوط به دیات، در ماده ۵۵۴ چنین آمده است: براساس نظر حکومتی مقام رهبری دیه جنایت بر اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌شود.

منابع

- ادریس، عوض احمد، (۱۳۷۷)، دیه، مترجم: علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
- امیدی، جلیل؛ رستمی، سهیلا، (۱۳۸۹)، دیه زن رویارویی دو دیدگاه در فقه اهل سنت، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل، شماره چهار، ۳۹-۵۶.



چهارمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، جلد سوم، چاپ اول.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، تاریخ سیاسی اسلام: سیره رسول خدا (ص)، تهران، انتشارات الهادی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، حقوق اقلیت‌ها: براساس قانون قرارداد ذمه، بررسی گوشه‌هایی از مفاهیم حقوق بین‌الملل از نظر فقه اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فتحی، محمدجواد، (۱۳۹۳)، انواع تغلیظ دیه در فقه و حقوق کیفری ایران، پژوهش‌های فقهی، دوره ده، شماره سه، ۴۹۳-۵۱۴.
- قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۸۴)، بازپژوهی حقوق زن: بررسی قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی ایران. تهران، انتشارات روز نو.
- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، دیات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گلریز، امین، (۱۳۹۱)، بررسی مبانی فقهی و حقوقی پرداخت دیه غیر مسلمان از بیت المال، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، ۱۱۱-۱۳۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۱)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، جلد چهارم، چاپ هفتم.
- موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۳)، تحریر الوسیله، تهران، موسسه نشر اسلامی، جلد دوم.
- مومنی، عابدین، (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران، نشر خط سوم.
- میرسعیدی، سید منصور، (۱۳۷۳)، ماهیت حقوقی دیات، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۰)، دیه اهل ذمه و شهروندان غیر مسلمان، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، شماره بیست و هشتم، ۵۳-۵۴.